

## بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

نه به جنگ افروزی جمهوری اسلامی،  
نه به تعرض به سفره خالی کارگران،  
نه به جنگ علیه زنان  
پیش به سوی گسترش مبارزه انقلابی  
برای سرنگونی حکومت اسلامی  
سرمایه داران

طبقه کارگر ایران در حالی به اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران نزدیک می شود، که یک سال پر جنبش و جوش و پر از اعتصاب و اعتراض را پشت سر گذاشته است. بر اساس آمار سایت ها و نهادهای معتبری که اخبار کارگری را پوشش داده و ثبت می کنند، در سه ماهه پاییز سال گذشته دست کم ۴۶۰ مورد اعتصاب و تجمع های اعتراضی کارگری برپا شده اند. حداقل در سه سال اخیر به طور میانگین سالانه بیش از ۲۰۰۰ اعتصاب و اعتراض کارگری در سراسر ایران انجام گرفته است. این روند رو به رشد مبارزات کارگری که به رغم فراز و نشیب های آن از اواسط دهه ۸۰ شمسی آغاز شده و ادامه یافته است، ریشه در تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران دارد. موج های گسترده روی آوری زحمتکشان و تهیدستان روستا به شهرها طی سه دهه گذشته به دلیل خشکسالی های پی در پی و سیاست های ضد زیست محیطی رژیم اسلامی، و اسکان آنها در حاشیه شهرها که جز فروش نیروی کار راه دیگری برای تأمین معیشت خود نداشتند، جمعیت کارگران ایران را بیش از دو برابر کرده است. از طرف دیگر روند رشد و گسترش سرمایه داری ایران به رغم همه موانعی که ساختار سیاسی و ایدئولوژیک و اداری حاکم بر سر راه آن ایجاد کرده و ادامه روند صنعتی شدن، شمار کارگران شاغل در واحدهای صنعتی را چند برابر کرده است. این تحول اجتماعی از یک سو و سیاست های ضد کارگری و تعرض سازمانیافته رژیم جمهوری اسلامی به

## اطلاعیه پایانی برگزاری پلنوم ششم کمیته مرکزی کومه له



## رفع ستم ملی در کردستان و ضرورت تقویت آلترناتیو سوسیالیستی

## زنان آزاده "طرح نور" رژیم اسلامی را نیز شکست خواهند داد!



## جنگ افروزی رژیم جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل در فاز جدید



## کشمکش نظامی جمهوری اسلامی و اسرائیل و احتمال

## گسترش یک جنگ ارتجاعی محکوم است!

عنوان یک کارفرمای بزرگ و سرمایه داران بخش خصوصی طی بیش از سه دهه گذشته برای ارزان سازی نیروی کار از سوی دیگر، زمینه ساز این جنبش عظیم اعتصابی و اعتراضی کارگران در بیش از یک دهه و نیم اخیر بوده است. اگر رشد و تثبیت مناسبات سرمایه داری در دهه چهل شمسی و بعد از رفرم ارضی بازتاب خود را در نقش طبقه کارگر ایران در تحولات انقلابی سال ۱۳۵۷ نشان داد، تحولات سه دهه اخیر و روند گسترش مناسبات سرمایه داری و صنعتی شدن هم اکنون خود را در تحرک چند برابر قدرتمند تر جنبش کارگری نشان می دهد. این مبارزات اقتصادی کارگران در موارد زیادی با برافراشتن پرچم مبارزه علیه خصوصی سازی ها، علیه قانون دستمزدها، علیه مضحکه های انتخاباتی رژیم، علیه لایحه بودجه با مبارزات سیاسی در هم آمیخته است. این جنبش عظیم اعتصابی قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده است، به آن ها یاد داده است که به مقابله با تعرض دولت و سرمایه داران بپردازند، نشان داده است که چگونه نیروی کار سازمان یافته می تواند برای سرمایه ترسناک باشد.

علیرغم این بیداری طبقاتی، طبقه کارگر به دلیل موانع بزرگی که سر راه سازمانیابی توده ای و طبقاتی آن وجود دارد نتوانست در بعد اجتماعی در جنبش انقلابی جاری نقش سیاسی خود را ایفا کند و قادر نشد به نیازهای این دوره انقلابی پاسخ درخور بدهد. اما نظر به تعمیق بحران سرمایه داری ایران و با توجه به ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی موجود و ادامه تعرض حکومت اسلامی سرمایه داران و سرمایه داران بخش خصوصی به سفره خالی کارگران اعتراضات و اعتصابات کارگری به طور اجتناب ناپذیری ادامه و گسترش خواهد یافت. طبقه کارگر بر بستر تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگری و با تکیه به وجود طیف گسترده فعالین و پیشروان خود که در کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب نقش تعیین کننده ای در سازماندهی اعتصابات و اعتراضات کارگری داشته و با سازماندهی مجامع عمومی و دخالت دادن کارگران در تصمیم گیری ها رویکرد شورایی را در این جنبش طبقاتی تقویت کرده اند می تواند بر کمبود سازمانهای توده ای و طبقاتی خود غلبه کند. سازمانیابی توده ای کارگران در این دوره انقلابی الزاماً نه روندی گام به گام، بلکه می تواند جهش وار روند تکاملی خود را طی کند.

اگر امسال کارگران جهان در حالی در آستانه اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی و

تعلقات و گرایش های جنسی و جنسیتی، جدائی دین از دولت، تامین ایمنی کار و امنیت شغلی، الغای قوانین و هر گونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی، پایان دادن به تخریب محیط زیست، ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش و پرورش رایگان تأکید می کنند. روز اول ماه مه با برافراشتن بیرق این مطالبات می تواند روز اعلام عزم کارگران برای گسترش مبارزه انقلابی جهت سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران باشد.

حزب کمونیست ایران همه کارگران و زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، همه انسانهایی که از فقر و محرومیت، از ظلم و زور و نابرابری، از ستم و سرکوب و از تداوم حیات ننگین نظام سرمایه داری به تنگ آمده اند و خواهان یک زندگی آزاد و برابر و مرفه هستند را فرا می خواند که مراسم و آکسیونهای اول ماه مه روز جهانی کارگر را به هر طریقی که می توانند و به ویژه در خیابان و میدانی شهرها با شور و شوق برگزار کنند. حزب کمونیست ایران روز جهانی کارگر این نماد همبستگی شورانگیز طبقاتی و انترناسیونالیستی، این نماد مبارزه برای سوسیالیسم را به همه کارگران تبریک می گوید و از جانفشانی ها و تلاش دلسوزانه و خستگی ناپذیر فعالین و پیشروان جنبش کارگری برای سازماندهی اعتصابات و اعتراضات کارگری و متحد کردن صفوف کارگران قدردانی می کند.

### زنده باد اول ماه مه

### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران  
اردیبهشت ۱۴۰۳  
آوریل ۲۰۲۴



**حزب در شبکه های اجتماعی**

-  Peshraw Cpiran
-  Peshraw Cpiran
-  Peshraw Cpiran
-  Peshraw Cpiran

انترناسیونالیستی خود قرار گرفته اند که پیامد سوداندوزی نظام سرمایه داری و بحران های مزمن و جنگ افروزی های بی پایان آن، کار و زندگی و امنیت کارگران و اقشار فرودست جامعه را بیش از پیش به ورطه فقر و تباهی کشانده است، طبقه کارگر در ایران نیز با این پیشینه و موقعیت در شرایط ویژه ای به استقبال روز جهانی کارگر می رود. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنگ نیابتی با اسرائیل و حملات موشکی به این کشور و دولت نژاد پرست اسرائیل در ادامه نسل کشی در غزه، منطقه خاورمیانه را با خطر جنگی ویرانگر روبرو کرده اند. در داخل ایران هم رژیم جمهوری اسلامی با تعیین دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر تهاجم جدیدی را به سفره خالی کارگران آغاز کرده و تحت عنوان "طرح نور" و مبارزه با ناهنجاری ها جنگ علیه زنان آزاده و بی حجاب را وارد فاز جدیدی کرده است. طبقه کارگر با تکیه بر اتحاد کارگران پیشرو و سوسیالیست های صفوف خود لازم است در اول ماه مه همزمان پرچم نه به جنگ ارتجاعی و جنگ افروزی های رژیم جمهوری اسلامی، نه به تهاجم به زندگی و معیشت کارگران و نه به جنگ علیه زنان را با نیرویی مضاعف به دوش بکشد.

در روز اول ماه مه برابر با ۱۲ اردیبهشت، کارگران ایران به پشتوانه بیداری طبقاتی و پیشروان و رهبرانی که در صفوف خود پرورده کرده اند و با تکیه بر دستاوردهای مبارزات پر شور خود بار دیگر عزم خود برای ادامه مبارزه علیه سرمایه داران و دولت حامی آنان و برای بنیاد نهادن جامعه سوسیالیستی، جامعه ای عاری از ظلم و ستم و استثمار، جامعه ای آزاد و برابر و مرفه را اعلام می کنند. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با تحمیل دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر تهاجم جدیدی را علیه سفره خالی کارگران آغاز کرده، رفقای کارگر خواست دستمزد متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی برای همه کارگران شاغل و بازنشسته، تأمین بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار را در صدر قطعنامه های خود قرار میدهند. رفقای کارگر در این روز و در قطعنامه های خود بار دیگر بر آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، حزب، و ایجاد تشکل، لغو فوری صدور و اجرای مجازات اعدام، اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی قید و شرط قوانین و سیاست های تبعیض آمیز علیه

## اطلاعیه پایانی برگزاری پلنوم ششم کمیته مرکزی کومه له

پلنوم ششم کمیته مرکزی کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران منتخب کنگره ۱۸، در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۵ و ۲۶ فروردین ماه ۱۴۰۳ برابر با ۱۳ و ۱۴ آوریل ۲۰۲۴ با شرکت اعضا کمیته مرکزی کومه له و اعضا کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که به عنوان ناظر شرکت داشتند، برگزار گردید. پلنوم با سرود انترناسیونال سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، آغاز به کار نمود. گزارش سیاسی کمیته رهبری کومه له به پلنوم، گزارش تشکیلاتی کمیته ها و ارگانهای تشکیلاتی کومه له و آرایش و تقسیم کار درونی کمیته مرکزی کومه له از دستور جلسات این پلنوم بودند. نشست وسیع کمیته مرکزی کومه له در شرایطی برگزار شد که جنگ و نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه وارد هفتمین ماه خود شده است. از آنجا که دولت نژاد پرست نتایهاو با وجود تمام جنایاتی که در این مدت انجام داده نتوانسته به اهداف اعلام شده خود برسد، در دو ماه گذشته به شکل بسیار وحشیانه تری جنگ را پیش برده است. در این مدت کابینه جنگی اسرائیل تاکتیک تخریب و کشتار حداکثری را در پیش گرفته که خود نشانه بن بست و درماندگی دولت اسرائیل است. این جنگ ویرانگر علاوه بر اینکه هزینه های سنگینی برای اسرائیل داشته است، بحرانهای درونی دولت نتایهاو را نیز تشدید کرده و میزان تنفر و انزجار از دولت را در داخل و خارج اسرائیل بسیار بالا برده است. اعتراضات و فشار افکار عمومی در سطح جهان علیه نسل کشی در غزه به طور مؤثری دولت نژادپرست نتایهاو، دولت امریکا و دولت های اروپایی که از این جنایت حمایت می کنند را تحت فشار قرار داده است. از سوی دیگر گروه ارتجاعی و تروریستی حماس نیز با وارد آمدن تلفات سنگین به رهبری و بدنه و زیر ساختهای تشکیلاتی شان، در بن بست قرار گرفته و حملات موشکی حزب الله لبنان به اسرائیل نتوانسته تغییر محسوسی در توازن قوا به سود حماس ایجاد کند. جمهوری اسلامی نیز تاکنون نه تنها نتوانسته کمک مؤثری به حماس بنماید، بلکه نیروها و پایگاههای نظامی و اخیراً کنسولگری رژیم در سوریه نیز مورد حمله اسرائیل قرار گرفته اند. چنین بن بست نشان میدهد که دوره تبلیغات رژیم اسلامی و

جریانات وابسته مبنی بر "محور مقاومت" و جنگ نیابتی نیز به پایان خود رسیده است. در این میان مردم ستمدیده و بی دفاع غزه که قربانی نسل کشی دولت اسرائیل هستند و خانه هایشان ویران میگردد و گرسنه و آواره شده اند خواهان آن هستند که این جنگ جنایتکارانه هرچه زودتر تمام شود. مردمی که هیچ نقش و سهمی در برافروختن جنگ نداشته اند چرا باید تاوان آن را بپردازند؟ کارگران و مردم زحمتکش و ستمدیده فلسطین نه با امید بستن به جریانات ارتجاعی و تروریست اسلامی و نه به دولتهای عرب و دیگر قدرتهای سرمایه داری بلکه تنها به نیروی متحد و سازمانیافته خود و حمایت هم طبقه ای هایشان در اسرائیل و منطقه و در سطح جهان میتوانند توازن قوا را به نفع خود تغییر دهند و به این جنگ ویرانگر و قحطی و گرسنگی پایان دهند. شکست مفتضحانه رژیم اسلامی در نمایش انتخاباتی مجلس شورا و مجلس خبرگان رهبری یکی دیگر از محورهای مباحث پلنوم بود. اکثریت قاطع مردم ایران آگاهانه با عدم شرکت خود در آن نمایش، بار دیگر یک "نه" بزرگ به کلیت حکومت جمهوری اسلامی دادند. به اعتراف خود رژیم و دیگر رسانه های داخلی و خارجی درصد مشارکت در آن انتخابات از همه سالهای عمر جمهوری اسلامی کمتر بود. در استانهای کردستان و سیستان و بلوچستان بیش از هشتاد و پنج درصد از مردم در این مضحکه انتخاباتی رژیم شرکت نکردند. اعلام علنی عدم شرکت تشکلهای کارگری، تشکلهای صنفی معلمان، بازنشستگان و دانشجویان و دیگر نهادها و حتی بعضی از اصولگرایان و اصلاح طلبان حکومتی در نمایش انتخابات، نشانه تغییر در فضای سیاسی جامعه و توازن قوا به نفع جبهه کارگران و توده های مردم در مقابل حکومت اسلامی می باشد. تحمیل این شکست فزاینده به جمهوری اسلامی بخشی از انتقامی بود که مردم ایران به خاطر جنایاتی که جمهوری اسلامی در جریان جنبش ژینا مرتکب شده بود، از رژیم گرفتند و بر عدم مشروعیت این نظام فاسد مهر تأکید دوباره گذاشتند. این شکست سنگین رژیم نتیجه تشدید بحرانها و محصول عملکرد وحشیانه رژیم در بر خورد به جوانان و به یژه زنان بود؛ نتیجه تشدید تنفر و انزجار مردم از جمهوری اسلامی به خاطر سیاستهای جنگ افروزان و مداخله گرانه و پرهزینه رژیم در منطقه بود. برای کارگران و مردم زحمتکش این یک پیروزی بر حکومت

اسلامی بود که میتواند به سنگری برای پیشروی بعدی جنبش انقلابی تبدیل گردد. بدون شک عدم مشارکت وسیع مردم کردستان در این نمایش انتخاباتی، نشان دهنده این واقعیت است که جنبش انقلابی کردستان به مثابه یک پای اصلی هر تحول سیاسی و انقلابی در بعد سراسری از چنان پتانسیلی برخوردار است که هرگاه ضروری باشد میتواند نیروی محرکه و سازمانیافته خود را به میدان آورد. در گزارش کمیته رهبری و مباحث پیرامون آن تأکید شد که کردستان به لحاظ اقتصادی یکی از محروم ترین مناطق ایران است. کارگران و توده های مردم زحمتکش کردستان همانند هم طبقه ایهای خود در سایر مناطق ایران در شرایط اقتصادی بسیار فلاکتباری به سر می برند. میزان بالای فقر و بیکاری موجب شده که دهها هزار نفر از جوانان کردستان که به اعتراف مقامات رژیم بیش از ۵۰ درصد آنان فارغ التحصیل دانشگاهها هستند، برای تأمین هزینه معیشت خود و خانواده، به کولبری در جادههای مرگ روی آورند. کولبران در واقع نیروی کار ارزان و اجیر شده تجار و دلالان سرمایه دار هستند که شدیداً استثمار می شوند. با این حال سالانه صدها نفر از آنان به اتهام قاچاقچی و اخلال در نظم اقتصادی، توسط نیروهای مسلح رژیم به رگبار گلوله بسته می شوند؛ یا به قتل میرسند و یا زخمی می شوند. با وجود این کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه در کردستان در مقابل رژیم اسلامی دست روی دست نگذاشته اند. فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای پیشرو اجتماعی کردستان در پیوند و ارتباط با فعالین در سطح سراسری به مبارزات خود علیه سیاستهای جمهوری اسلامی ادامه می دهند. برای مراسم نوروزی و ابراز شادمانی در شهر و روستاهای کردستان در ابعاد دهها هزار نفری یکی دیگر از محورهای مباحث پلنوم کمیته مرکزی کومه له بود. در آن مراسمها زنان دوش به دوش مردان و بدون توجه به قانون حجاب اجباری به رقص و پایکوبی پرداختند. برگزاری این مراسمها جلوه ای از تداوم جنبش انقلابی ژینا و بخشی از شادی مردم به مناسبت شکست جمهوری اسلامی در مضحکه انتخابات و پیروزی خودشان بود. برگزاری مراسمها در چنین ابعاد بزرگی نشان دهنده سازماندهی و وجود نوعی رهبری است که به مثابه امر واقع به حکومت اسلامی تحمیل گردید و رژیم در برابر آنها چاره ای جز نرمش نداشت. تمام تلاش رژیم

در این جهت بود که این مراسم جلوه سیاسی پیدا نکنند. در بسیاری جاها جوانان با سردادن شعارهای سیاسی و خواندن سرود و تکان دادن دستمال و پارچه قرمز به عنوان نمادهای چپ و انقلابی، به آن رنگ و جهت سیاسی و ضد رژیم دادند. مراسم و جشن و پایکوبی های نوروزی در یک ماه و نیم گذشته نشان داد که جنبش انقلابی کردستان که ستون فقرات آن کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده کردستان هستند از چه پتانسیل و ظرفیت هایی برای به چالش کشیدن سیاستهای جمهوری اسلامی برخوردار است. لازم است رفقای ما در داخل در آینده نیز خود را برای حضور و تأثیر گذاری و سمت و سو دادن به این مراسمها بیشتر آماده نمایند. پلنوم کمیته مرکزی کومه له در بخشی دیگر از مباحث خود به اوضاع سیاسی و اقتصادی در کردستان عراق پرداخت. اوضاع بحرانی این منطقه و گسترش بیکاری، گرانی و به تعویق انداختن پرداخت حقوق کارگران و کارکنان زندگی و معیشت توده های مردم را در مضیقه قرار داده است. جمهوری اسلامی با نفوذی که بر دم و دستگاههای دولت مرکزی عراق دارد و با استفاده از ساز و کارهای دست ساز جریانات شیعه وابسته به خود، میخواهد هرگونه مزاحمتی برای پیشبرد برنامه هایش در کردستان را از سر راه خود بردارد. تا کنون از "دادگاه فدرال" بعنوان اهرمی در جهت بی اختیار کردن دولت اقلیم کردستان استفاده کرده است. این "دادگاه" به عنوان ابزاری در دست رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال گذشته احکام متعددی در راستای به بن بست رساندن دولت اقلیم را صادر کرده است. دولت مرکزی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق با قطع گاه به گاه و تأخیر در ارسال حقوق کارمندان کردستان و با به گرو گرفتن نان و روزی آنها نارضایتی مردم را دامن زده و اختلاف و تنش میان احزاب سیاسی کردستان را تشدید کرده است. از سوی دیگر دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی با بمباران و موشک بارانهای مکرر و تعرضات نظامی و اشغال بخشهایی از نوار مرزی علاوه بر اینکه موجب تلفات و خسارات زیادی به مردم زحمتکش آن مناطق شده اند، حکومت اقلیم را نیز تحقیر کرده و سیادتی برای آن قائل نیستند. مداخله گری های سیاسی و نظامی هدفمند و آگاهانه رژیم جمهوری اسلامی و دولت ترکیه در کردستان عراق نیز بر تنش و اختلاف میان احزاب سیاسی حاکم در کردستان افزوده است. تجربه کردستان عراق به روشنی نشان داد از آنجا که در سیستم فدرالی متکی به پارلمان، اهرم های

اصلی قدرت از جمله اقتصاد، نیروی ارتش و دیپلماسی، در دست دولت مرکزی باقی می ماند، دولت مرکزی هر آن اراده کند با تکیه بر این اهرمهای قدرت می تواند مردم کردستان را تحت فشار قرار دهد. پارلمان کردستان طی تمام این سالها محل مانور احزاب سیاسی بوده و به عنوان ابزاری برای دور نگاه داشتن توده های مردم از دخالت در حاکمیت و مدیریت جامعه عمل کرده است. از این رو لازم است رفقای ما و دیگر فعالین چپ و کمونیست با تبلیغ و روشنگری در مورد آلترناتیو حاکمیت شورایی در مقابل سیستم پارلمانی، تلاش نمایند برای آن مقبولیت اجتماعی کسب نمایند و آنرا به گفتمان غالب در جامعه تبدیل کنند. "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان" تا کنون در این رابطه ایفای نقش کرده و به تلاشهایش در این راستا ادامه می دهد. در کردستان سوریه نیز دولت فاشیستی ترکیه با اشغال کل استان عفرین و چندین منطقه دیگر از مناطق مرکزی کردستان سوریه از جمله جرابلس، الباب، اعزاز، گری سپی و سه ری کانی در تلاش است که "حکومت خود مدیریتی روژآوا" را از بین ببرد. نیروهای اشغالگر ترکیه و مزدوران مسلحش در مناطق اشغالی به کشتار، دزدی، اخاذی و فساد می پردازند. دولت فاشیست اردوغان در چندماه گذشته با بمبارانهای مکرر، زیر ساختهای خدماتی، صنعتی و کشاورزی مناطق تحت کنترل "حکومت خود مدیریتی روژآوا" را از بین برده است و همچنان حکومت خود مدیریتی را تهدید به لشکر کشی و اشغال مناطق بیشتری می کند. بمباران شهرها و روستاهای کردستان سوریه از جانب دولت اسلامی اردوغان در حالی است که نیروهای آمریکایی باصطلاح هم پیمان با روژآوا و نیروهای روسیه مستقر در شمال سوریه کنترل فضای آنجا را در اختیار دارند و نسبت به آن بی تفاوت هستند و چه بسا آنها برای حملات ترکیه چراغ سبز نیز نشان می دهند. اینها همه بخشی از سیاستهای فاشیستی حکومت اردوغان در این مدت برای منحل کردن "حکومت خود مدیریتی روژآوا" بوده است. اقدامات سیاسی و نظامی یک سال گذشته دولتهای ترکیه، عراق و جمهوری اسلامی نسبت به اقلیم کردستان و "حکومت خود مدیریتی روژآوا"، این واقعیت را نشان میدهد که آنها و حکومت سوریه، علیرغم هر درجه از اختلافات و دشمنی باهم، همگی مخالف هر شکلی از حاکمیت محلی مردم کردستان اعم از فدرالی، خودمدیریتی، خودگردانی و غیره در هر بخشی از کردستان هستند. در این زمینه

سالهاست میان آنها تماسها، جلسات، همکاری و هماهنگی زیادی وجود داشته است. مردم کردستان در عراق و سوریه از آنچه دولتهای اقلیم کردستان و "خود مدیریتی روژآوا" تا کنون همپیمانی با آمریکا و دولتهای منطقه نامیده اند، سودی نبرده اند. حاکمیت احزاب و هر جریان سیاسی در چهارچوب سیستم فدرالی و پارلمانی، در بهترین حالت راهی برای مشارکت و سهم شدن رهبران این احزاب در قدرت است و نمیتواند راه حلی برای رفع ستم ملی باشد. تجربه کردستان عراق در طول ۳۴ سال گذشته این حقیقت را به خوبی نشان داده است. در مقابل آن حاکمیت شورایی و به رسمیت شناختن حق مردم کردستان در تعیین سرنوشت که در استراتژی کومه له بر آن تأکید شده، میتواند در این زمینه پاسخگو باشد. دومین دستور جلسه پلنوم ششم کمیته مرکزی کومه له گزارش ارگانهای تشکیلاتی بود. در این بخش پلنوم به بررسی گزارش تشکیلاتی ارگانها پرداخت که توسط مسئولین ارگانها به پلنوم ارائه شد. رفقای کمیته مرکزی کومه له و حزب کمونیست ایران نقطه نظرات، ملاحظات، انتقادات و پیشنهادات خود را در جهت ارتقای کار و فعالیت هر یک از ارگانها مطرح نمودند. پلنوم ششم کمیته مرکزی کومه له در بخش پایانی کار خود به تقسیم کار و سازماندهی رفقای کمیته مرکزی در ارگانهای مختلف تشکیلاتی پرداخت. پلنوم ضمن انتخاب یک کمیته رهبری پنج نفره به منظور هدایت تشکیلات در فاصله دو نشست وسیع کمیته مرکزی، رفیق حسن شمس را به عنوان دبیر کمیته مرکزی کومه له انتخاب نمود. از آنجا که نشست کمیته مرکزی کومه له در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر برگزار گردید، پلنوم ضمن تبریک روز جهانی کارگر این نماد همبستگی طبقاتی و انترناسیونالیستی و قدردانی از تلاش خستگی ناپذیر فعالین و پیشروان جنبش کارگری برای سازماندهی مبارزات کارگران، به همه رفقای کارگر فراخوان داد تا به هر شکل و طریقی که می توانند مراسم و آکسیون های اول ماه مه را برگزار کنند. کومه له کارگران در کردستان را فراخواند تا در همبستگی با کارگران سراسر ایران با اعلام ادعانامه علیه نظام سرمایه داری و طرح مطالبات عاجل خود، موضع قاطع خود علیه جنگ افروزی های رژیم جمهوری اسلامی، علیه تهاجم به زندگی و معیشت کارگران و جنگ علیه زنان را اعلام کنند.

**کمیته مرکزی کومه له**

**سازمان کردستان حزب کمونیست ایران**

۳۱ فروردین ۱۴۰۳

ناصر زمانی

## رفع ستم ملی در کردستان و ضرورت تقویت آلترناتیو سوسیالیستی

مارکسیسم در مانیفست کمونیست بر این اصل پایه ای تاکید کرده که تاریخ مبارزات طبقاتی است و به بیانی دیگر طبقه بورژوا و طبقه کارگر در کشمکش های مبارزاتی خود دو تاریخ، دو افق و دو استراتژی را رقم زده اند، به این معنا که تاریخ چیزی جز محصول مبارزه طبقاتی بین طبقه استثمارگر و استثمارشونده نیست. جامعه کردستان و مناطق کردنشین به مانند سایر نقاط جهان و مشخص در ایران در دل کشمکش های مبارزات طبقاتی دارای طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر است. ستم طبقاتی و ستم ملی در مناطق کردنشین چه در دوران سلطنت پادشاهی و یا حداقل از سال های بعد از قیام ۵۷ و به قدرت رسیدن حاکمیت سرمایه داری اسلامی ایران مقولات تازه ای نیست. با توجه به تضادهای اجتماعی، اقتصادی و تعمیق هر روزه شکاف های طبقاتی توسط حاکمیت سرمایه داری رژیم اسلامی شرایط اسفباری را بر مردم کردستان تحمیل کرده و علاوه بر ستم طبقاتی، ستم ملی، با سرکوب سیستماتیک و تاریخی بر مردم این مناطق شرایط اسفبار سیاسی و اقتصادی را بر جمعیت میلیونی کارگران و اقشار فرودست جامعه کارگری تحمیل کرده است. به عبارت دیگر ملتاریزه کردن و موج سرکوب های وحشیانه، زندانی کردن و اعدام ها از سوی هر دو رژیم سلطنت پادشاهی پهلوی و رژیم جمهوری اسلامی ایران تاریخ خونینی را به ثبت رسانده است.

جامعه کردستان در مقایسه با دیگر مناطق ایران تاریخن تحزب یافته تر است. بر همین اساس احزاب و گروه بندی های سیاسی منافع طبقاتی خود را نمایندگی می کنند. دور از انتظار نیست که با وجود ستم ملی و طبقاتی این تحزب یافتگی در میان جامعه از پایه های اجتماعی خود برخوردار باشند، به این معنا که این تحزب یافتگی در قامت احزاب و سازمان های مختلف در ایجاد بلوک بندی های سیاسی واقعیت انکارناپذیر است. بر همین اساس در آمیختگی ستم طبقاتی همراه با ستم ملی نشان میدهد بدیل و یا آلترناتیو سیاسی و اقتصادی از طرف احزاب و سازمان های موجود در کردستان بر اساس استراتژی و برنامه برگرفته از خواست طبقاتی خود در آینده بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به عنوان بدیل سیاسی برای بدست گرفتن قدرت سیاسی پیش پای

مردم کردستان قرار خواهند داد. به این معنا که تاریخ تقابل گرایشهای سیاسی و اجتماعی و به تبع آن تاریخ کشمکش های مبارزاتی، عروج و افول احزاب سیاسی در کردستان حول تقابل ناسیونالیسم و سوسیالیسم بعنوان دو افق و آرمان، در گرایش های اصلی موجود در جامعه کردستان واقعیت عینی دارد. اگرچه ستم ملی در کردستان و مناطق کردنشین یکی از دلایل اصلی وجود احزاب بورژوا ناسیونالیست در کردستان است، اما ماهیتن از نظر سیاسی مشکلات مردم کردستان را تنها و تنها بر محور خواستگاه ستم ملی قلمداد می کنند نه از خواستگاه مناسبات نظام سرمایه داری، و همین امر راه حل های که برای رفع ستم ملی ارائه میدهند نه تنها در راستای رفع این ستم نیست بلکه تلاش دارند با شعار و دست واژهایی از جمله فدرالیسم و پارلمانتاریسم و محدود کردن خواست مردم کردستان برای رهایی از ستم ملی، صرفن به آموزش زبان مادری و پوشیدن لباس و غیره این ستم را به مانند استخوان لایه زخم بر مردم کردستان تحمیل کنند. در واقع فدرالیسم پاسخی برای پایان دادن به ستم ملی نیست. تصویری که توسط احزاب بورژوا ناسیونالیست و مدافعین فدرالیسم القاء می شود، دال بر اینکه فدرالیسم موجب گسترش آزادی ها و کاهش تبعیض در جامعه می شود. باید گفت این یک تصور کاذب است. فدرالیسم نه تنها موجب گسترش آزادی ها و کاهش تبعیض نمی گردد، بلکه ماهیتن موجبات شکل گیری و بازتولید ستم طبقاتی و مناسبات سرمایه داری در جامعه را ادامه خواهد داد. بر همین اساس ارائه آلترناتیو و یا بدیل سیاسی بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی یکی از کلیدی ترین مباحثی است که نقش احزاب و جریانات چپ و کمونیست، جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی پیشرو همگام در جواب دادن به این نیاز تاریخی را به یکی از مقوله های حائز اهمیت در به خط کردن و تقویت جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان و مناطق کردنشین تبدیل کرده است. از این زاویه به باور من آن احزاب و جریاناتی که میتوانند به هر درجه ای از یک خط سیاسی روشن، و انقلابی گری را با اتکاء به مبارزات طبقاتی متکی کنند و نیاز جامعه را با اتکاء به منافع مبارزات طبقاتی کارگران و اقشار فرودست جامعه دنبال کنند به همان انداز می توانند در پایان دادن به ستم طبقاتی و الزام ستم

ملی نقش تاریخی خود را ایفا خواهند کرد. اگرچه احزاب بورژوا ناسیونالیست سالها تلاش کرده اند منکر وجود طبقه کارگر در کردستان و مناطق کردنشین باشند و خواست مردم را صرفن در ستم ملی محدود می کنند، اما واقعیت اینست که از نظر ما کمونیست ها هم ستم طبقاتی و هم ستم ملی ریشه در تاریخ مادی جامعه دارد و پاسخی که به آنها داده میشود نیز متکی به سنت ها و گرایشات اجتماعی است که با رویکردهای مختلف افق خود را در مقابل جامعه قرار میدهند. از اینرو وجود احزاب سیاسی ابزار گرایشات، افق های اجتماعی و طبقاتی برای سازمانیابی و به میدان آوردن نیروی طبقه خود و حاکم کردن آن بر کل جامعه است. بر همین اساس میتوان گفت ناسیونالیسم، لیبرالیسم و رفرمیسم از جمله افق های موجود تاریخی بورژوازی در جوامع سرمایه داری است، همانگونه که سوسیالیسم نیز یک افق و گرایش اجتماعی موجود کارگری در این جوامع است. بدون شک خواست بورژوازی کرد شریک شدن در قدرت است و منافع آنها در پایه ای ترین پارامترهای اساسی خود با منافع سرمایه داری در ایران گره خورده است. به این معنا که سرمایه دار کرد نیز از بازار کار ارزان و اشباع از توده های وسیع کارگران بیکاری که آماده است برای نجات از گرسنگی به هر قیمت و تحت هر شرایطی تن بکار بدهد، بهره می برد. به بیانی دقیق تر احزاب بورژوا ناسیونالیست حافظ مناسبات سرمایه داری و حاکمیت ارزش در مناسبات تولید و باز تولید اجتماعی را یک ضرورت در سپهر برنامه های اقتصادی خود میدانند. در واقع پدیده کولبری و سوختبری که حتا به عنوان یک شغل متعارف در جهان امروزی قابل تعریف نیست، در شهرهای مرزی کردستان و مناطق کردنشین تنها یکی از بارزترین پدیده بردگی است که ارزش سود سرشار از تمام دست رنج کولبران را به جیب طبقه بورژوازی کرد سرازیر می کند. اگر بر این باور باشیم که تاریخ مبارزات مردم کردستان به دلیل تحزب یافتگی، تقابل افق های اجتماعی و طبقاتی از کانال احزاب، سازمان ها و تشکلات سیاسی موجود در جامعه است، پس تلاش برای روشن شدن هرچه بیشتر صف بندی های سیاسی در کردستان کمک میکند تا تمایز بین ناسیونالیسم و سوسیالیسم

مردم زحمتکش، کماکان زبان زده خاص و عام است. بارزترین و قابل اتکاء ترین نمونه در سازمانیابی و متشکل کردن نیروهای مردمی در سرنوشت خود، در راستای دفاع از منافع کارگران و اقشار فرودست جامعه در بدست گرفتن قدرت سیاسی و دخیل نمودن این هژمونی در دل جامعه، تجربه تاریخی در سال های اول بعد از قیام ۱۳۵۷ در کردستان و پروسه شکل گیری بنکه ها، تشکیل جمعیت «دفاع از آزادی و انقلاب» در کردستان یکی از نقاط عطف تاریخی است که با تمام کمبودهایش میتوان به عنوان یکی از ارزنده ترین تجربیات در فرادی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. از اینرو جنبش کمونیستی و کارگری لازم است در پشتیبانی از مردم انقلابی کردستان و توده های وسیع کارگری در یک دوره گذار در بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در افشای استراتژی احزاب بورژوا-ناسیونالیست در کردستان، و با درس گرفتن از تجربه ارزنده و انقلابی تشکیل شوراهای بنکه های محلات شهر سنندج، ابزاری قابل اتکاء در دخالت مستقیم آنها در اداره جامعه و همبستگی متحدانه مردم شهر سنندج و دیگر شهرهای اطراف قدرت مردمی را در همکاری و همیاری در اداره ی جامعه در آن شرایط سخت، در اداره محلات، رسیدگی به امورات روزانه مردم نقش قابل توجهی داشتند. انگیزه ی متشکل شدن و خود سازمانیابی در دل جامعه را صد چندان کرده بود. در اداره جامعه این بنکه ها از پشتیبانی کامل مردم و خانواده ها در محلات برخوردار بودند و شرایطی فراهم شده بود که عملن مردم در سازمانیابی اداره و امور محلات، امنیت همه فعل و انفعالات که ربط مستقیم به سرنوشت و امنیت و شرایط زندگی آنها داشت دخیل بودند تا جاییکه تعلقات سیاسی، زبانی، ملی، مذهبی یا غیر مذهبی کسی مورد تفتیش قرار نمیگرفت. میدانیم سازمانیابی و مدیریت بنکه ها در سطح شهر سنندج، تحت رهبری شورای بنکه ها توسط فعالین کمونیست، پیشرو و رادیکال و خوشنامی پیش برده می شد که از اتوریته و قدرت سازماندهی برخوردار بودند، کما اینکه در اواخر فروردین ۱۳۵۹ سازماندهی مردمی از طریق بنکه ها از طریق کومه له، شرکت و فعالیت دختران و زنان، پیر و جوان در سطحی گسترده یکی از نقطه عطف های تاریخی جنبش کمونیستی در کردستان است. با اتکاء به نیروهای مردمی و تودهای زحمتکش و فرودست جامعه و همچنین مبارزین کمونیست و خوشنامی که از اتوریته

هایی را برای حضور بلوک راست احزاب و سازمان های ناسیونالیستی در صحنه ی سیاسی کردستان حفظ کرده است. اما یک واقعیت را نیز باید برای مردم کردستان پُرواضح بدون اما و اگر روشن کرد که رفع ستم ملی به معنی بهبودی در شرایط زندگی توده وسیعی از مردم کردستان نیست. رفع ستم ملی به معنی از میان رفتن استعمار انسان به دست انسان نیست، به معنی رفع ستم بر زنان، آزادی بیان و تشکل و اعتصاب برای کاهش ساعات کار میلیون ها کارگر یا بیمه بیکاری برای کارگران بیکار جامعه کردستان نیست. با آگاهی بر این امر که بورژوازی کُرد چه در داخل کردستان چه در سطح تحزب یافتگی و ساختار احزاب و سازمان ها به عنوان اپوزیسیون سیاسی، بنا به ماهیت طبقاتی در چشم انداز به دست گرفتن قدرت سیاسی، نه تنها نمیتواند در قبال خواست کارگران و توده های فرودست و ستمدیده جامعه جوابگو باشد بلکه احزاب بورژوا-ناسیونالیست بر متن همین ماهیت طبقاتی در برابر تحقق خواست و مطالبات نیروی محرکه واقعی جنبش کمونیستی و کارگری و تحقق خواسته های طبقه کارگر کردستان خواهند ایستاد. از طرف دیگر این احزاب با اتکا به استراتژی و ماهیت طبقاتی شان برای تقسیم قدرت از بالا بر سر مردم تلاش خود را خواهند کرد که از دخالت مستقیم مردم از لایه های پایین جامعه در تعیین سرنوشت خود، در به دست گرفتن قدرت سیاسی در کردستان ممانعت خواهند کرد، بارزترین نمونه تجربه سال ها حکومت اقلیم کردستان عراق، مهر تاییدی بر این واقعیت انکار ناپذیر است.

نباید فراموش کرد کمونیست ها تجارب قابل اتکایی را در طول تاریخ جنبش کمونیستی در کردستان به ثبت رسانده اند. تشکیل بنکه های مردمی محلات و نقش موثر کادرهای خوشنام و صاحب اتوریته کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در میان توده های وسیع

در فضای سیاسی ایران در کمک به گفتمان سازی و روشن شدن واقعیت ها در بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، انتخاب سیاسی را برای میلیونها مردم کردستان در یک فضای سیاسی آگاهانه تر انتخاب واقعی تری را پیش پای مردم کارگر و مزدبگیر جامعه قرار دهد. به بیانی دیگر صف بندی های سیاسی و اجتماعی در منطق مبارزاتی مردم مناطق کُردنشین در استراتژی، برنامه و افق سیاسی احزاب و تشکلات فعال موجود در جامعه در این چهار چوب تعیین میشوند.

اگر بر این باور باشیم که تکامل آگاهی طبقاتی برای طبقه کارگر روندی است که از طریق یک مسیر تاریخی طولانی و پیچیده اتفاق می افتد که کارگران به درک ضرورت سازمانیابی خود پی می برند. این ضرورت اتفاقی و لحظه ای نیستند، بلکه ریشه در واقعیات بنیادی دوران معاصر دارند. اینها نتایج جانبی و اجتناب ناپذیر این واقعیت هستند که چشم انداز هژمونی اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر در بدست گرفتن قدرت سیاسی در سطح ماکرو روز به روز و به بیشتر خود را نشان داده و جامعه ایران در حال تغییر و تحولاتی است که این سوال را پیش پای ما قرار میدهد آیا صرفن رفع ستم ملی بهبودی شرایط زندگی مردم در کردستان و مناطق کُردنشین را به ارمغان خواهد آورد؟ از طرف دیگر چقدر میتوانیم پرچم مبارزاتی طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را در مبارزات طبقاتی، به پرچم توده های وسیع کارگران و اقشار فرودست جامعه برای پایان دادن به هر نوع ستمی تبدیل کنیم؟ با آگاهی بر این امر که جامعه کردستان بر بستر وجود ستمگری ملی و وجود گرایش ناسیونالیستی در جامعه، احزاب ناسیونالیستی به حیات و فعالیت خود ادامه می دهند. اعمال ستمگری ملی بر مردم کردستان و تداوم سیاست های شوونیستی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی کماکان زمینه ی ظرفیت



مردمی در امر سازماندهی برخوردار بودند و همچنین کسانی که بعدها در کومه له از خوشنام ترین انسان های مبارز در دل توده های زحمتکش مطرح شدند تجارب ارزنده ای را بدست داده که از آنها باید درس گرفت. در همین بنکه ها قدرت نیروهای مردمی در مبارزه با جریان ارتجاعی و مذهبی امثال مکتبی های همچون احمد مفتی زاده ها نقش کلیدی و موثری داشت. سازمانیابی مردمی در شوراها و بنکه ها توانسته بود در برابر اقدامات، تاکتیک ها و سیاست های اتخاذ شده حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یک حزب نماینده بورژوا ناسیونالیستی سستی راست در کردستان، از جمله لیبیک گفتن به خمینی و دفاع این حزب از تعرض فئودال ها به دهقانان و مردم زحمتکش روستاها، دفاع این حزب از مرتجعین مذهبی و شیوخ محلی، تلاش زیاد این حزب در جهت سازش با دولت بازرگان بدون حضور خود مردم و از بالای سر جامعه در تقابل این حزب با خواست جنبش انقلابی و رادیکال مردم کردستان، تمایل و اعلام آمادگی برای همکاری با ارتش و هدایت آن برای ورود به شهر سنندج، قد علم کند و آن اقدامات حزب دمکرات، توسط کمونیست ها و فعالین رادیکال در آن دوره تاریخی و بطور مشخص کومه له مورد افشا قرار گیرد.

امروز ما با احزاب و سازمان های بورژوا ناسیونالیست به مراتب بیشتری از گذشته در کردستان روبرو هستیم. به خوبی پُر واضح است که عملکرد و استراتژی احزاب ناسیونالیست و مذهبی نه تنها با خواست مردم زحمتکش و توده های فرودست جامعه همخوانی ندارد بلکه اتخاذ بدیل سیاسی با شعار فدرالیسم و پارلماناریسم توسط این احزاب، خود به یکی از موانع اصلی در پیش برد امر مبارزاتی در تقابل استراتژی بلوک سوسیالیستی و بلوک راست ناسیونالیستی در کردستان است. کما اینکه بارها کومه له بر ساختار حاکمیت

شورایی در کردستان تاکید نموده است و با توجه به تجارب اشاره شده در همین نوشته امر سازمانیابی توده های محروم و فرودست جامعه در پراتیک انقلابی مردم کردستان نه تنها یک امر مبارزاتی برگرفته از سنت های مبارزاتی و جنبش انقلابی در دل جامعه است، بلکه کومه له به عنوان یک جریان کمونیستی نقش ارزنده ای در این تاریخ پُرافتخار را به ثبت رسانده است. بر همین مبنا نه تنها در بر راه انداختن یک جنبش شورایی توسط توده های مردم برای دخالت مستقیم در سرنوشت سیاسی خود در راستای ایجاد نهادهای اعمال حاکمیت توسط شوراها، تمام نیرو و پتانسیل مبارزاتی خود را به کار می اندازند، همچنان ما نیز بر این باوریم، حضور و مشارکت احزاب سیاسی در حاکمیت سیاسی در کردستان نه تنها با نسخه های از قبل تعیین شده در توافق با احزاب سیاسی در کرستان بدون حضور آنها مهر باطل می خورد، بلکه حضور و مشارکت احزاب سیاسی در حاکمیت سیاسی تنها و تنها از طریق مکانیسم حاکمیت شورایی رسمیت و تحقق پیدا خواهد کرد. از طرف دیگر اگر بر این باوریم که اکثریت جامعه ی کردستان مردم کارگر و زحمتکش هستند، در این صورت پاسخ به مطالبات و منافع طبقاتی آنان، پاسخ به وحدت طلبی آنان و حتی فراتر از جامعه کردستان و در بعد سراسری پاسخ به وظایفی که در مقابل جنبش کارگری، فعالین سوسیالیست جنبش های رادیکال اجتماعی، احزاب و سازمان هایی که خود را با سوخت و ساز طبقه ی کارگر معرفی می کنند، تنها میتواند در بستر فراهم ساختن ملزومات حرکت برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق بدیل سوسیالیستی باشد و این امر تنها می تواند در بستر تلاش و کوشش جهت ایجاد یک بلوک سوسیالیستی قدرتمند در جامعه صورت گیرد.

اگر بپذیریم امروز جامعه کردستان به مراتب بیش از گذشته طبقاتی شده و طبقه کارگر

کردستان و مناطق کُردنشین به خاطر منافع مشترک طبقاتی با کارگران ایران و همچنین به دلیل حلقه های ارتباطی خود که پیشروان و فعالین کارگری در آن نقش اساسی داشته اند، نشان دادند که مبارزات طبقه کارگر و رهبری این طبقه برای بدست گرفتن قدرت سیاسی تنها راه مبارزاتی برای پایان دادن به هر نوع ستمی است. باید گفت کارگران محیط کار در کردستان و فعالین کارگری بارها اعلام کرده اند که کارگران کردستان منافع جدا از منافع عمومی طبقه کارگر و مردم تحت ستم ایران ندارند. راهپیمایی روز جهانی کارگر در شهرهای کردستان و مشخصن در شهر سنندج با توجه به موج سرکوب ها، تاریخن بهای خود را داده است و خود این واقعیت مهر تأییدی است بر این واقعیت انکار ناپذیر، که تنها آترناتیو موجود در کردستان مبارزه طبقاتی کارگران در تقابل با نظام سرمایه داری و در جهت ضرورت سیاسی تقویت آترناتیو سوسیالیستی تنها راه حل برای پایان دادن به ستم ملی است. همکاری احزاب چپ و کمونیست یکی از مولفه های مهم این پاسخ به شرایط متحول جامعه است و از این زاویه ضرورت تقویت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در همگام شدن با جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی پیشرو و گره زدن آن به مبارزات طبقه کارگر در سطح سراسری یکی از کلیدی ترین و موثرتری اقداماتی است که میتواند به شکل گیری و تقویت آترناتیو سوسیالیستی و فراهم نمودن زمینه های بدست گرفتن قدرت سیاسی از لایه های پایین جامعه توسط توده های وسیع مردمی و مشخصن طبقه کارگر در پروسه سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری ایران را فراهم آورد.

اول اردیبهشت ۱۴۰۳



شماره ۴۴۹ "پیشرو"

نشریه کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!



## نشست دوره ای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست برگزار شد!

انقلابی از جمهوری اسلامی و برای رسیدن به خواسته هایشان به آن امید بیندند که یکی از کمبودها و نقطه ضعف های جنبش انقلابی جاری است، بر گسترش و ارتقای فعالیت های خود در جهت غلبه بر این کمبود تأکید کرد.

نشست شورای همکاری در همان حال که بر اهمیت تبدیل افق سوسیالیستی به یک افق نیرومند در درون جامعه و به عنوان تنها بدیلی که به همه معضلات و مصائب جامعه سرمایه داری پایان می دهد تأکید کرد و بر ضرورت نقد پیگیر استراتژی سیاسی و پروژه های اپوزیسیون راست از سلطنت طلبان گرفته تا اپوزیسیون لیبرال و جمهوری خواه طرفدار غرب برای به بیراهه بردن و به شکست کشاندن جنبش انقلابی جاری انگشت گذاشت. لیبرال های جمهوری خواه که برای براندازی نرم و مخملی جمهوری اسلامی نقشه می ریزند، در بهترین حالت خواهان یک نظام سرمایه داری مستبد غیر دینی بجای حکومت مستبد اسلامی سرمایه داران کنونی هستند.

نشست شورای همکاری همچنین در راستای شکل دادن به بدیل سوسیالیستی بر اهمیت پاسخگویی به معضلات سر راه پیشروی جنبش های اجتماعی، به اهمیت سیاست گذاری در راستای انسجام بخشیدن به گرایش رادیکال و سوسیالیستی در جنبش کارگری، جنبش رهایی زن و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و کمک به امر سازمانیابی این جنبش ها تأکید کرد.

اجلاس در راستای تحقق این استراتژی و گسترش فعالیت های شورا به تفکیک بر بستر ارزیابی از فعالیت های دور گذشته و اذعان بر کاستی ها، عرصه های مختلف از جمله اولویت های فعالیت شورا در داخل کشور، چگونگی فعالیت های میدانی در خارج کشور، تبلیغات و تلویزیون "آلترناتیو شورایی" و چگونگی گسترش کیفی و کمی دیگر فعالیت های شورا پرداخت.

در رابطه با داخل کشور، شورا روی اولویت گذاری به منظور تقویت و همراهی بیشتر با فعالین و تشکل های مترقی و چپ در جنبش های اجتماعی، پیشبرد کار پروژه ای در رابطه با معضلات اصلی جامعه مانند امر معیشت و دستمزدها و □ تأکید کرد. ◀



### برگزاری نشست دوره ای

این واقعیت تأکید داشتند که تعمیق بحران اقتصادی، گرانی سرسام آور، گسترش فاجعه بیکاری، دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، عمیق تر شدن شکاف بین فقر و ثروت و ابعاد بی سابقه آسیب های اجتماعی، گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری و خیزش های توده ای را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده و اعتلای جنبش کارگری و توده ای را در چشم انداز قرار داده است. رژیم جمهوری اسلامی به دلیل تنگناهای اقتصادی و اولویت هایی که برای حفظ دستگاه سرکوب و تأمین مالی نیروهای "محور مقاومتی" دارد در سطح منطقه قادر به ایجاد هیچگونه اصلاح و یا بهبودی در زندگی کارگران و فرودستان جامعه برای فرونشاندن اعتراضات کارگری و توده ای نیست. سران حکومت اسلامی در این دوره انقلابی از اینکه کوچک ترین عقب نشینی از سیاست های سرکوبگرانه تا کنونی، به رویکرد تعرضی در جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی دامن بزند و به از هم گسیختگی کامل ساختار سیاسی حاکم بیانجامد بشدت هراس دارند. از این رو سیاست راهبردی رژیم جمهوری اسلامی برای بقاء خود همچنان بر محور تلاش برای یکدست کردن ارگان ها و قوای سه گانه حکومتی و تشدید سرکوب می چرخد. در مقابل کارگران و توده های آزادیخواه و بپاخاسته ایران با مبارزات خود و با به شکست کشاندن مضحکه های انتخاباتی نشان دادند که با حکومت اسلامی سرمایه داران هیچ سر سازشی ندارند و جنبش انقلابی آنان در اشکال مختلف ادامه دارد.

نشست حضوری شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست با آگاهی به این حقیقت که خلاء نبود یک آلترناتیو انقلابی و سوسیالیستی که مقبولیت اجتماعی کسب کرده باشد و کارگران و فرودستان جامعه برای عبور

نشست دوره ای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۳ برابر با ۶ و ۷ آوریل ۲۰۲۴ با حضور هیئت هایی از جانب احزاب و سازمان ها و نیروهای متشکل در این شورا در آلمان برگزار شد. این نشست که با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت جهت گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

آغاز شد، بعد از دو روز جلسات فشرده به کار خود پایان داد. مباحث این نشست حول ارزیابی از کار و فعالیت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر متن تحلیل اوضاع سیاسی ایران و منطقه و شرایط مبارزه طبقاتی و راهکارهای مؤثر برای ارتقاء کیفی فعالیت های شورا در دوره کنونی بر اساس دستور جلساتی که از قبل روی آن توافق به عمل آمده بود متمرکز شد.

این نشست در شرایطی برگزار شد که شش ماه از جنگ و نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در نوار غزه با توجیه مقابله با تروریسم ارتجاع اسلامی حماس می گذشت. در این مدت در حالی که دولت نتانیاهو از ارسال هرگونه کمک های بشردوستانه و پزشکی جلوگیری کرده، آمریکا و دیگر اعضای ناتو در اروپا نیز ضمن حمایت بی قید و شرط از دولت اسرائیل، با ارسال بدون وقفه کمک های مالی و نظامی عملا در این نسل کشی و جنگ ویرانگر علیه مردم ستمدیده فلسطین در غزه مشارکت کرده اند. در حالی که دولت اسرائیل حتی از قحطی و گرسنگی و قتل عام کودکان به عنوان وسیله جنگی برای به زانو در آوردن مردم فلسطین استفاده کرده است، اما جنبش همبستگی جهانی علیه نسل کشی دولت اسرائیل و در دفاع از آزادی فلسطین توانسته، نه تنها دولت اسرائیل، بلکه دول حامی آنرا در میان آزادیخواهان جهان افشا کند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در این اجلاس بار دیگر اشغالگری و نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم غزه را محکوم کرده و همبستگی خود را با مبارزات ملت فلسطین برای کسب حق تعیین سرنوشت و حق تشکیل دولت مستقل و برای آزادی فلسطین اعلام کرد.

در مورد اوضاع سیاسی ایران، همه نیروها بر





در رابطه با فعالیت در خارج کشور، اجلاس با تاکید بر هویت فعالیت مستقل خود موارد زیر را در نشست حضوری به تصویب رساند:

- ۱- شورای همکاری می کوشد در هر محلی در خارج کشور که نیروهایی از این شورا فعالیت می کنند به شکل مناسب خود را هماهنگ کنند. این هماهنگی در راستای سیاست های شورا از طریق نماینده گان شورا پیش می رود.
- ۲- شورا در چارچوب موازنش می کوشد با نهادها، شوراها و دیگر نیروهای چپ و مترقی و نیز افراد مستقل چپ و آزادیخواه همکاری کند.
- ۳- فعالیت شورا در خارج کشور از طریق برگزاری آکسیون ها، سمینارهای حضوری و آنلاین و تماس با نهادهای مترقی بین المللی و انترناسیونالیستی پیش می رود.

رادیکال در جامعه است. در عین حال گسترش دیالوگ و همکاری با نهادها، شوراها و نیروهای دیگر در خارج کشور که همسویی با اهداف شورا دارند را مورد تاکید قرار داد.

لازم به توضیح است که در فاصله نشست قبلی شورا تا کنون "اتحاد سوسیالیستی کارگری" به جمع "شورای همکاری" پیوست و "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست" از جمع ما خارج شد.

ارزیابی شرکت کنندگان از این اجلاس مثبت و راهکارهای پیشنهادی نویدگر احساس مسئولیت جمعی و تلاشی موثرتر برای پاسخ به تعهدات و وظایفی بود که در این شرایط خطیر سیاسی، ضروری و حیاتی است.

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری

جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی،

زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

۲۳ فروردین ۱۴۰۳

برابر با ۱۱ آوریل ۲۰۲۴

امضا: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

اجلاس در رابطه با گسترش شورا بر اساس مباحث انجام شده، تاکید اساسی خود را بر گسترش کیفی گذاشت که هم آوایی و یاری رساندن به جنبش کارگری، جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی

## شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست برگزار می کند:

### سمینار به مناسبت اول ماه مه

#### در است ۲ هلم

یکشنبه ۲۸ آوریل ۲۰۲۴ ساعت ۱۵ تا ۲۰

گرداننده سمینار:

ششمسی خرمی



غذا و نوشیدنی در محل موجود است



زمان برای اظهار نظر حاضرین در نظر گرفته شده است



Sensus lokal i Medborgarhuset



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



سخنرانان:

محمد قهرمانی:

ملزومات سازمانیابی کارکنان



سیاوش دانشور:

طبقه کارگر در دوره انقلابی



رضا پور کریمی:

ضرورت مبارزه سیاسی طبقه کارگر



مهرآفاق مقیمی:

جایگاه مبارزه پرستاران در جنبش کارگری



بهرروز خباز:

روند مبارزات کارگری و چشم انداز سازمانیابی سراسری



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست برگزار می کند:

سمینار به مناسبت اول ماه در استکهلم

یکشنبه ۲۸ آوریل ۲۰۲۴

ساعت: ۱۵ تا ۲۰ بعدازظهر

سخنرانان:

محمد قهرمانی: ملزومات سازمانیابی کارکنان

سیاوش دانشور: طبقه کارگر در دوره انقلابی

رضا پور کریمی: ضرورت مبارزه سیاسی طبقه کارگر

مهرآفاق کریمی: جایگاه مبارزه پرستاران در جنبش کارگری

بهرروز خباز: روند مبارزات کارگری و چشم انداز سازمانیابی سراسری

گرداننده سمینار: ششمسی خرمی

زمان برای ابراز نظر حاضرین در نظر گرفته شده است.

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.

آدرس:

Sensus lokal

Medborgarhuset

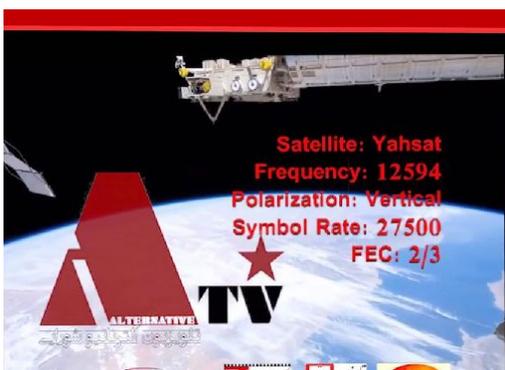
تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

### ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند-



## شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان:

## زنده باد اول مه روز جهانی طبقه کارگر

## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

## تماس با

کمیته تشکیلات داخلی کشور

حزب کمونیست ایران

hvfaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات

داخل گروه (تک‌نسخه)

takesh.komalah@gmail.com

اول مه روز جهانی طبقه کارگر در راه است. کارگران و لشکر ستم دیده رنج و کار واستثمار در این روز فرصت پیدا می‌کنند تا یکبار دیگر بر جهانی بودن خود، بر درد و رنج مشترک خود و راه حل طبقاتی خود پای بفشارند. سرمایه داری افسارگسیخته عصر حاضر، بشریت و سرف زندگی روی این کره خاکی را با مخاطره جدی روبرو کرده و آن را به مرز نابودی و انحطاط کشانده است. جنگ و ویرانی و کشتار، گرسنگی و ناامنی و آوارگی و تبعات ضد انسانی آن، روزگار و حیات بشریت را در مقیاس چند میلیاردی با نابودی مواجه کرده است. اما هیچکدام از این مصائب سرنوشت حتمی جامعه و انسان امروز نیست. ما کارگران و نیروی میلیاردری کار، صاحبان اصلی این جهان پر از نعمت و ثروت وامکانات هستیم. می‌توانیم وحتى



به معنای دیگری مجبوریم برای تغییر این بربریت به میدان بیائیم و خود و تمام جامعه را از منجلا بکنونی نظم سرمایه داری آزاد کنیم. در اول ماه مه باید این بانگ رسای ما در پهنه گیتی طنین افکند: کارگران جهان متحد شویم! متحد شویم برای الغای کارمزدی و نابودی مالکیت خصوصی بر ابزار کاروتولید و بهره مند کردن همگان از نعمات بی شمار جامعه. روز کارگر روز سر دادن این کیفر خواست و فراخوان طبقه جهانی ماست! روز هیچ مذهب و فرهنگ و ملیت و جنسیت خاصی نیست. روز فراخوان ما برای انقلاب کارگری و نجات بشریت است و بس! طبقه کارگر ایران بعنوان یک بخش از این ارتش میلیاردری کار رودرروی استثمارگرانی ایستاده است که سلطه سرمایه درانه اشان را با چاشنی مذهب و تحمیق توده ها به پیش می‌برند. مبارزات طبقه کارگر ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی برای دفاع از معیشت و علیه زور گویی صاحبان کار در تمام سالی که گذشت برپا و بر دوام بود. بیش از چهار دهه حاکمیت رژیم سرکوبگر اسلامی مشقات و بی حقوقی های زیادی را به کارگران و مردم زحمتکش تحمیل کرده است. بیکاری، اخراج، گرانی و تحمیل دستمزد زیر فقر و حتی به گروگان گرفتن حقوق معوقه، حمله مستقیم سرمایه داران به زندگی و سفره کارگران و خانواده هایشان بوده است. با اینحال طبقه کارگر در

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۶ فروردین ۱۴۰۳

۱۴ آوریل ۲۰۲۴



## جنگ افروزی رژیم جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل در فاز جدید



در پی تهدیدات چند روز گذشته سران رژیم جمهوری اسلامی علیه اسرائیل، بامداد روز یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ برابر با ۱۴ آوریل ۲۰۲۴ سپاه پاسداران و ارتش رژیم جمهوری اسلامی ایران با صدها پهپاد و موشک کروز و بالستیک اسرائیل را مورد حمله قرار دادند. بر اساس گزارش خبرگزاری‌های مختلف و منابع آگاه در منطقه اکثر قریب به اتفاق این موشک‌ها و پهپادها قبل از رسیدن به آسمان اسرائیل توسط سیستم دفاعی و جنگنده‌های ارتش اسرائیل و آمریکا، و سیستم دفاعی بریتانیا و متحدانشان در منطقه رهگیری و منهدم شده‌اند. به گزارش سرویس‌های اورژانس اسرائیل تاکنون در پی این حملات تنها یک دختر ۱۰ ساله بر اثر «اصابت ترکش» مجروح شده است. این حملات گسترده موشکی و پهپادی به اسرائیل و انهدام یک به یک این موشک‌ها و پهپادها و جار و جنجال تبلیغاتی حول آن همه بخشی از یک سناریوی از قبل برنامه‌ریزی شده بوده که سران رژیم جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا بر سر چگونگی اجرای آن به توافق رسیده بودند. آماده باش کامل جنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل و آمریکا و بریتانیا برای انهدام پهپادها و موشک‌های پرتاب شده جمهوری اسلامی بخشی از این سناریو بود. از زمان کشته شدن هفت تن از فرماندهان سپاه پاسداران در کونسولگری رژیم جمهوری اسلامی در دمشق توسط جنگنده موشک افکن‌های اسرائیل، دو هفته «صبر راهبردی» نیاز بود تا هیئت‌های رژیم جمهوری اسلامی در مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا بر سر مراحل و اجرای این سناریو با هم به توافق برسند و موافقت اسرائیل را هم جلب کنند. این نوع سناریوها اولین بار نیست که به اجرا در می‌آیند، بعد کشته شدن قاسم سلیمانی نیز نیروهای آمریکایی مستقر در عراق در توافق با رژیم جمهوری اسلامی پایگاه نظامی عین‌الأسد در استان انبار را برای چند ساعت تخلیه کردند تا سپاه پاسداران با موشک باران این پایگاه تخلیه شده خفت و حقارت ناشی از ترور فرماندهان سپاه قدس و حشد الشعبی را بر خود هموار کند. با وجود اینها نباید خطر سیاست‌های جنگ افروزان رژیم‌ها را جمهوری اسلامی و دولت نژاد پرست اسرائیل را دست کم گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی چند دهه است که یک جنگ نیابتی با اسرائیل را پیش می‌برد. این رژیم از ابتدای به قدرت رسیدن خود به شیوه‌ای عوام‌فریبانه و با صرف هزینه‌های زیاد مسئله فلسطین را در جهت اهداف سیاسی و منطقه‌ای خود بکار گرفته است. شعار ارتجاعی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» را خمینی در دوره جنگ ایران و عراق بر سر زبان‌ها انداخت. این شعار که با هدف جلب افکار عمومی دنیای عرب انجام گرفت در واقع استراتژی رژیم اسلامی برای مداخله در کانون بحران فلسطین از طریق تقویت گروه‌های ارتجاع اسلامی بود. در تمام این سال‌ها سازمان اسلامی حماس از کمک‌های نظامی و مالی رژیم جمهوری اسلامی برخوردار بوده است. سازمان جهاد اسلامی فلسطین را رژیم جمهوری اسلامی تأسیس کرد و آموزش داد تا مجری سیاست‌های جمهوری اسلامی در فلسطین باشد. رژیم اسلامی سازمان سیاسی-نظامی حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۰ را با هدف مقابله با دولت اسرائیل و نفوذ آمریکا و غرب تأسیس کرد. در عراق نیز با شکل دادن و حمایت از گروه‌های سیاسی و نظامی شیعه عراقی مثل مجلس‌اعلای اسلامی عراق یا سپاه بدر، تلاش کرد تا امکانات و ملزومات دخالت‌های بعدی خود را در این کشور فراهم آورد. لشکرکشی آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین و دست‌بالا پیدا کردن شیعیان در حکومت، رژیم اسلامی ایران را در موقعیت بهتری برای تعقیب نقشه‌های خود قرار داد. رژیم جمهوری اسلامی در ادامه مداخله‌گری‌های خود در عراق با سازماندهی میلیشیای نظامی حشد الشعبی حضور نظامی خود را نیز تأمین کرد و به کمک همین گروه‌های اسلامی در جریان بحران و جنگ سوریه میلیشیای وابسته به خود را در این کانون بحران شکل داد. رژیم جمهوری اسلامی که از روز اول شعار نابودی اسرائیل را سر داده و ضدیت با اسرائیل و آمریکا را به بخشی از هویت سیاسی خودش تبدیل کرده است در تمام این سال‌ها یک جنگ نیابتی را علیه دولت اسرائیل پیش برده است. اکنون سیاست مداخله‌گری نظامی رژیم جمهوری اسلامی در کانون‌های بحران منطقه و جنگ نیابتی با اسرائیل که از مدتها پیش با اعتراضات توده‌ای در لبنان علیه

سیاست‌های حزب الله و جمهوری اسلامی و اعتراضات توده‌ای علیه مداخله‌گری رژیم در عراق زنگ شکست آن به صدا درآمده بود، اکنون به پایان خط خود رسیده است. ادامه این سیاست‌ها از جانب رژیم جمهوری اسلامی هیچ معنایی جز جنگ افروزی در منطقه ندارد.

دولت نژاد پرست اسرائیل نیز که بعد از شش ماه جنگ و نسل‌کشی در غزه به اهداف نظامی خود مبنی بر نابودی حماس و آزادی گروگانها با تکیه بر قدرقدرتی نظامی دست نیافته است، و در سطح بین‌المللی هم بیش از هر زمانی دیگر رسوا و منزوی شده و در داخل نیز با بحران حاد سیاسی روبه‌رو است بیش از پیش به گسترش جنگ نیاز پیدا کرده است. دولت اسرائیل با حمله موشکی به کونسولگری رژیم در دمشق عملاً نشان داد که می‌خواهد با کشاندن رژیم جمهوری اسلامی به میدان جنگ مستقیم، دولت آمریکا و متحدین اروپایی آن در ناتو را وارد یک جنگ منطقه‌ای کند. دولت آمریکا و ناتو اگر چه شریک جرم دولت اسرائیل در این نسل‌کشی هستند، اما در شرایط کنونی گسترش جنگ را در راستای منافع خود نمی‌بینند، با اینحال گارد محکمی هم در برابر جنگ افروزی‌های این متحد استراتژیک منطقه‌ای خود ندارند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی نیز با بحرانی عمیق و همه‌جانبه‌روبرو است. کارگران و فرودستان و توده‌های عاصی از اوضاع کنونی در داخل ایران مدت‌ها است که نبرد سرنوشت‌سازی را با رژیم جمهوری اسلامی آغاز کرده‌اند. خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی میدانهای این نبرد بوده‌اند که پایه‌های رژیم جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی پشت جبهه امنی ندارد و اگر وارد جنگ مستقیم با اسرائیل شود، جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اعتراضی نه تنها مرعوب شرایط جنگی نمی‌شوند، بلکه مبارزات خود را برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی سرمایه‌داران گسترش خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی اگرچه در شرایط کنونی گسترش جنگ و رودرروئی مستقیم با اسرائیل را در راستای منافع خود و بقای نظام اسلامی نمی‌داند، اما با ادامه ماجراجویی‌ها و مداخله‌گری

## کشمکش نظامی جمهوری اسلامی و اسرائیل و احتمال گسترش یک جنگ ارتجاعی محکوم است!



های نظامی  
و با ادامه  
جنگ نیابتی  
با اسرائیل آشکارا و  
عملا به برافروختن  
شعله های یک  
جنگ ویرانگر منطقه  
ای کمک می کند.  
کارگران و  
زحمتکشان و توده  
های فرودست ایران  
در برابر این دو  
قطب ارتجاع سرمایه  
داری، در برابر جنگ  
افروزی های دولت  
اسرائیل و رژیم  
جمهوری اسلامی و  
در برابر آن بخش از  
نیروهای اپوزیسیون  
بورژوازی که به این  
جدال و کشمکش  
های ارتجاعی و به  
دخالت قدرت های  
خارجی امید بسته  
اند راهی جز ادامه  
و گسترش مبارزات  
خود و فراهم  
آوردن ملزومات  
سرنگونی انقلابی  
رژیم جمهوری  
اسلامی پیش رو  
ندارند. کارگران و  
زحمتکشان و مردم  
ستمیدیده با سرنگونی  
انقلابی جمهوری  
اسلامی نه تنها چشم  
انداز روشنی را به  
روی جامعه ایران می  
گشایند، بلکه مردم  
منطقه را هم از شر  
جمهوری اسلامی  
نجات خواهند داد.  
کمونیست ها لازم  
است با روشنگری  
در مورد ماهیت  
ارتجاعی جدال و  
کشمکش میان رژیم  
جمهوری اسلامی و  
دولت اسرائیل این  
افق و چشم انداز  
را تقویت کنند.

به جنگ وحاشیه‌ای نمودن مساله غزه را دنبال می کرد. جمهوری اسلامی که در منگنه فشارهای درونی و نیروهای نیابتی اش قرار داشت و نیز بخاطر گریز از امکان شکست سیاست بازدارندگی و انزوا بین متحدین اشگزینیه حمله نظامی مستقیم به خاک اسرائیل را انتخاب کرد. با حمله نظامی جمهوری اسلامی به اسرائیل اوضاع در منطقه تغییر کرده و وارد شرایط جدیدی شده که زمینه ساز گسترش نظامی گری و جنگ رسمی و علنی است. اغلب دولت‌های منطقه و جهان از جمله روسیه و چین موافق گسترش جنگ در منطقه نیستند. دولت‌های غربی علاوه بر حمایت از اسرائیل بارها اذعان داشته‌اند که خواهان حل دیپلماتیک این نزاع و مخالف گسترش جنگ هستند. آمریکا حامی اصلی اسرائیل نیز اعلام داشته که واکنش اسرائیل به این حمله نظامی نباید به یک جنگ تمام عیار منجر شود. واقعیت این است که جهان زیر سلطه دولت‌های سرمایه‌داری درگیر بحران‌های درهم تنیده‌ای است. جنگ در اوکراین و در غزه، پیامدهای ناشی از افول هژمونی و یکه تازی آمریکا در مناسبات بین‌الملل، بحران‌های فزاینده سیاسی و نظامی در خاور میانه، هرچه بیشتر جهان معاصر را به سوی جنگ و میلیتاریسم سوق می‌دهد که حاصلش چیزی جز کشتار، قتل عام و ویرانی نیست. رسالت همه نیروهای چپ، کمونیست و همه نیروهای مترقی و انسان‌های شریف و آزاده افشای جنگ طلبی و مقابله با سیاست‌های دولت‌های ارتجاعی و مذهبی جنگ افروز از جمله دول اسرائیل و جمهوری اسلامی است. کارگران و مردم ایران جمهوری اسلامی دشمن کارگران و مردم آزاده و ستم دیده ایران است. اکنون سیاست جنگ طلبانه رژیم اسلامی با حمله مستقیم نظامی به اسرائیل، وارد مرحله جدیدی شده است. این رژیم تلاش می‌کند به بهانه شرایط جنگی دامنه سرکوب و خفقان در جامعه را گسترش داده و جنبش‌های اعتراضی را به عقب براند. تداوم سیاست جنگی به انهدام بیشتر جامعه منجر می‌شود و در صورت بروز جنگ، توده‌های مردم ناچارند هزینه‌های آن از جمله نابودی زیرساخت‌ها، قتل عام و کشتار، افزایش عمومی قیمت‌ها و ویرانی بی‌خانمانی را بپردازند. کارگران، زحمتکشان و انسان‌های آزادی‌خواه و شریف، باید با همبستگی و مقاومت علیه رژیم و سیاست جنگ طلبانه آن مقابله کنیم.

**سرنگون باد جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!**

۱۴،۰۴،۲۰۲۴

امضاها:

اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

شب گذشته جمهوری اسلامی با ۱۸۵ پهباد ۱۱۰ موشک بالستیک و ۳۶ موشک کروزر، اسرائیل را هدف قرار داد که اغلب آنها بوسیله سامانه نظامی در خارج از اسرائیل منهدم شده و تعداد کمی که وارد محدوده این کشور شده اثرات زیادی نداشته است. آمریکا، فرانسه، انگلیس و اردن اعلام کردند که در انهدام موشک‌ها و پهبادهای رژیم ایران نقش داشته‌اند. جمهوری اسلامی مدعی است که پاسخ حمله اسرائیل به سفارت جمهوری اسلامی را که منجر به کشته شدن فرماندهان سپاه شد را داده است. دولت اسرائیل نیز اعلام کرده که به این حمله نظامی در زمان و مکان مناسب پاسخ خواهد داد. گسترش کشمکش نظامی بین دول ارتجاعی جمهوری اسلامی و اسرائیل آتش یک جنگ ارتجاعی تمام عیار در منطقه را روشن خواهد کرد که علیه منافع توده‌های مردم دو کشور و منطقه است و حاصلی جز ویرانی و کشتار، بی‌خانمانی و گرانی نخواهد داشت. در یک سوی این جنگ ارتجاعی و ضد مردم‌مدولت سرمایه داری جمهوری اسلامی قرار دارد که یک حکومت دینی مستبد، تروریست، ضد کارگری و ضد مردمی است که جامعه ایران را به ورطه ویرانی سوق داده، شکاف طبقاتی را ژرف‌تر و هر نوع اعتراض سیاسی و اجتماعی را سرکوب می‌کند. این رژیم همراه با نیروهای نیابتی اش در منطقه اهداف توسعه طلبانه و ارتجاعی را دنبال نموده و ادعای دروغین دفاع از مردم فلسطین را دارند. در سوی دیگر این جنگ ارتجاعی، دولت نژادپرست و اشغال‌گر اسرائیل قرار دارد که دشمن مردم فلسطین و آزادی‌خواهان اسرائیل هستند. کشمکش در منطقه در پی حمله ۷ اکتبر حماسه اسرائیل که به کشته شدن بسیاری از مردم عادی منجر شد، گسترش یافت. جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اش این حمله را پیروزی قلمداد کردند. به تلافی این حمله، دولت اسرائیل و در راس آن نتانیاهو قصاب مردم فلسطین با بمباران، موشک پراکنی و حملات گسترده نظامی زمینی غزه را با خاک یکسان کرده است که تا کنون بیش از ۳۳ هزار کشته بجای گذشته که اغلب آنها کودکان و زنان بوده‌اند. اغلب دول غربی و در راس آن آمریکا کشتار مردم عادی توسط دولت اسرائیل را "حق دفاع از خود این کشور" قلمداد نمودند و تمام قد از این دولت نژاد پرست و اشغالگر حمایت نمودند. طی شش ماه تداوم حملات بی رحمانه دولت اسرائیل به مردم غیر نظامی، سیاست محاصره و اعمال گرسنگی به مردم غزه با واکنش افکار عمومی و مبارزات وسیع اجتماعی مواجه شد و دولت‌های غربی را وادار نمود که اسرائیل را برای پذیرش آتش بس تحت فشار قرار دهند. دولت دست راستی اسرائیل بعد از ناکامی در اهداف اعلام شده در غزه و انزوا در عرصه جهانی به‌خاطر نسل کشی در غزه، با حمله به کنسولگری رژیم اسلامی و کشتن فرماندهان قصد وارد کردن مستقیم جمهوری اسلامی

## زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

با تامین یک زندگی انسانی، تامین بیمه بیکاری مکفی، آزادی ایجاد تشکل های کارگری و آزادی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام به عنوان مبرمترین خواسته های خود تاکید می کنند. پافشاری بر این خواست های عاجل نشانه آن است که طبقه کارگر ایران با تمام نیرویش بر حقوق انسانی توده های کارگر و محروم جامعه برای برخورداری از آزادی و برابری و آسایش و رفاه تأکید میکند و پرچم مبارزه علیه این اوضاع نکبت بار را استوار در دست دارد.

از سوی دیگر، تاکید بر آزادی ایجاد تشکل کارگری و آزادی زندانیان سیاسی نشانه پیشتازی طبقه کارگر در مبارزه برای کسب آزادی های دمکراتیک است. تاکید بر آزادی ایجاد تشکل کارگری و خواست آزادی زندانیان سیاسی، جزئی از خواست آزادیهای بی قید و شرط سیاسی است. طرح این شعار و تمرکز نیروهای طبقه کارگر برای تحمیل آن به رژیم، عملاً بدین معناست که رهبران جنبش کارگری عزم خود را برای ایفای نقش تاریخی خود در رهبری جنبش انقلابی و آزادیخواهانه ایران اعلام کرده اند. طبقه کارگر این ظرفیت و پتانسیل را دارد که با تکیه به نیروی خود در پیشاپیش صفوف بخشهای تحت ستم و توده های محروم، جامعه را بسوی تحول انقلابی سوق دهد. برگزاری مراسم اول مه یک آکسیون طبقاتی است. این تأکید از این جهت لازم است که بخوبی روشن شود، ما بهیچوجه خواستار یک "آکسیون حزبی و سازمانی" منزوی و جدا از حرکت طبقه، آکسیونی که نه بر پایه حرکت آگاهانه و مستقیم توده های کارگر، بلکه بر اساس حرکت جداگانه سازمانی قرار دارد، نیستیم. از این رو فعالین و پیشروان جنبش کارگری، تشکل ها و نهادهای مستقل کارگری لازم است علیرغم اختلافات سیاسی و نظری که با هم دارند برای سازماندهی نمایش اتحاد طبقاتی کارگران در اول ماه مه با هم همکاری و اتحاد عمل داشته باشند. منافع طبقاتی کارگران در مقابل سرمایه داران و دولتشان این نوع اتحاد عمل و همکاری ها را ضروری ساخته است، فعالین کمونیست باید نشان دهند که هیچ منافعی جدا از منافع طبقه کارگر ندارند.

با شعارهایی در تائید رژیم، از طرف و یا با مداخله خانه کارگر رژیم، انجمن ها و شوراهای اسلامی بر پا میشوند، جزء لاینفکی از فراخوان و آکسیون اول مه است. اول مه دارای تاریخی دهها ساله و سنتی است که خود به نیروی مادی عظیمی تبدیل شده است.

برگزاری مراسم و برپائی تجمع های مستقل کارگری در روز اول ماه مه، محور و اساس فراخوان ما برای برگزاری این همایش بین المللی کارگری است. اینکه این فراخوان در چه اشکال معینی سازمان خواهد یافت و عملی خواهد شد، موضوعی است که تا درجه زیادی بستگی به اوضاع و احوال مشخص هر محل و منطقه، فابریک و درجه آمادگی تشکیلاتی و پیوندهای مبارزاتی فعال در میان پیشروان



و فعالین جنبش کارگری دارد. در این زمینه آنچه ما بعنوان یک رهنمود عمومی و سراسری میتوانیم بر آن تأکید کنیم دعوت از همه کارگران، خانواده های کارگری و انسانهای آزادیخواه و مبارز است که در مراسم و تجمع های روز اول ماه مه برابر با ۱۲ اردیبهشت شرکت کنند. به کارخانه و محل کار نروند و در همان حال بکوشند مراسم و اجتماعات با شکوهتری بر پا دارند. در روز اول مه، بر بستر یک سنت مبارزاتی و انترناسیونالیستی، کارگران هر کشور نیروی رزمنده و متحد خود را با طرح عاجلترین خواست هایشان در مقابل بورژوازی و قدرت حاکمه قرار می دهند. کارگران ایران در این روز و در قطعنامه های خود بر خواست افزایش دستمزدها متناسب

اول ماه مه برابر با ۱۲ اردیبهشت روز همبستگی جهانی کارگران خود را به رژیم از گورستان تاریخ برآمده جمهوری اسلامی نیز تحمیل کرده است. رژیم سرمایه جمهوری اسلامی در یکی دو ساله اول پس از قیام، ناگزیر شد با به حرکت در آوردن لشکریان حزب الله با عریده های "کارگر اسلام حامی توست"، به شیوه مزورانه به ابهت اول مه اعتراف کند. سران رژیم اسلامی در سال های بعد مجبور شدند به تعطیل کردن عملی کار در اول مه روز جهانی کارگر از سوی بخشی از کارگران یعنی کارگران صنایع و کارخانه های دولتی علیرغم قوانین اعلام شده شان و آنهم در اوج هجوم های پلیسی به جنبش کارگری رسمیت ببخشند. رژیم اسلامی از همان سال های اول تلاش کرده است که از طریق اجتماعات فرمایشی، روز جهانی کارگر را به مراسم تحمیق و ارباب و توهین به توده کارگران تبدیل کند. رژیم سالهاست در یک تلاش فریبکارانه، به جای روز کارگر "هفته کارگر" تعیین کرده است. مطابق این حيله گری "هفته کارگر" هر سال از یک هفته قبل از روز اول ماه مه روز جهانی کارگر آغاز میشود و به این روز ختم می گردد. تشکل های ضد کارگری و زرد دولتی هر ساله مطابق برنامه از قبل تعیین شده دیدار با ولی فقیه و تجدید میثاق با آرمان های خمینی و مسابقات قرآن خوانی باصطلاح جامعه کارگری در روز اول "هفته کارگر" و یا گرفتن وقت جهت طرح مطالبات و مسائل کارگران در تربیون های نماز جمعه در سطح کشور؛ گنجاندن برنامه برای بسیج کارگری؛ گنجاندن شعاری در راستای رونق دادن به تولید را در دستور کار خود قرار می دهند. با این وصف در تمام طول شش روز از طریق ابزارهای دولتی برای برگزاری مراسم مطلوب رژیم و کارفرمایان زمینه چینی میشود تا در روز هفتم دیگر هیچ نشانی از مبارزه جوئی، از اعتراض و از ترقی خواهی در مراسمی که برگزار میشود، برجای نمانده باشد. از اینرو توده کارگران باید برای بایکوت قاطعانه، این برنامه ها و اجتماعات ضد کارگری تجهیز و مهیا گردند. تحریم این برنامه ها و اجتماعات زرد و فرمایشی یعنی اجتماعاتی که چه مستقیماً از سوی عوامل رژیم و چه

## زنان آزاده "طرح نور" رژیم اسلامی را نیز شکست خواهند داد!

خانواده‌های کارگری و دیگر اقبال تهیدست جامعه را در مضیقه قرار داده است، اما حاکمان اسلامی سرمایه دار برای حل آن نمی‌توانند طرح و برنامه داشته باشند. در حالی که هر روزه پرونده‌های فساد و دزدیهای کلان که رهبران حکومت و فرماندهان بالای سپاه پاسداران در آن شریک قافله هستند، برملا می‌شوند، حکومت اسلامی لازم نمی‌بیند برایشان طرح داشته باشد و نیروهای سرکوبگر امنیت، فراجا، پلیس شریعت و آتش به اختیاران را به خیابان بیاورد. اما برای عدم رعایت حجاب اجباری و سرکوب زنان باید آنها به خیابان آورده شوند. البته یک وجه دیگر قضیه هم این است که رژیم جمهور اسلامی از مسئله حجاب اجباری زنان نیز به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد مشغله در جامعه و به انحراف کشاندن افکار عمومی از بحرانها و مشکلات خود استفاده می‌کند. از جمله در شرایط کنونی که درگیر جنگ مستقیم و غیر مستقیم با اسرائیل شده است و هر روزه متحمل کشته شدن فرماندهان بالای سپاه پاسداران و تخریب خسارت به پایگاههای نظامی در سوریه می‌شود، از اعمال خشونت وحشیانه علیه زنان به بهانه حجاب، برای ایجاد فضای رعب و وحشت استفاده می‌کند تا بلکه بتواند مانع گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای علیه خود گردد.

اما مبارزه متحدانه زنان مبارز و مردان برابری طلب علیه قوانین ارتجاعی ضد زن جمهوری اسلامی، علیرغم اعمال هرگونه شکلی از خشونت و سرکوب رژیم در طول بیش از چهار دهه حاکمیت اسلامی و به ویژه در سالهای اخیر دستاوردهای زیادی داشته است. این مبارزات در شرایط ضعف و زبونی کنونی حکومت اسلامی باید به پیشروی خود شتاب بیشتری بخشد تا کلیه قوانین تبعیض آمیز جنسیتی رژیم را با نیروی مبارزاتی خود لغو نماید. پیشروان چپ و سوسیالیست جنبش کارگری و جنبش دانشجویی و دیگر جنبشهای اجتماعی می‌توانند در پیروزی جنبش رهایی زن نقش مؤثری ایفا کنند و با فراهم آوردن ملزومات گذار از وضعیت موجود این رژیم زن ستیز ارتجاعی را به ذیله دان تاریخ اندازند.

وضعیت امنیت روانی جامعه هم خوب نیست، نباید منتظر تصویب نهایی لایحه حجاب و عفاف باشیم و لازم است با به کارگیری قوانین فعلی برای بهبود وضع عفاف و حجاب اقدامی کنیم. او گفت: "فروردین پارسال کلیه قوانین موجود ناظر بر بهبود وضع حجاب و عفاف را طی لایحه‌ای ۹ ماده‌ای به عنوان مبنای طرح به دولت و مجلس دادیم. دولت آنرا به ۱۵ ماده و مجلس نیز آنرا به ۷۱ ماده تغییر داد. اما هنوز به سرانجام نرسیده است." ازهای جلاد از دادستانها و فراجا و وزارت کشور خواست منتظر نمانند و علیه زنان به میدان بیایند.

رهبران رژیم جمهوری اسلامی، زنان و مردانی که مخالف حجاب اجباری هستند راهنچار شکن و کسانی می‌نامند که در زمین دشمن بازی می‌کنند. در نتیجه فکر می‌کنند می‌توانند با اعمال خشونت و به میدان آوردن نیروهای سرکوبگر و بسیجیان آتش به اختیار جامعه را به عقب باز گردانند و دستاوردهای مبارزاتی زنان را از آنان باز پس گیرند. درواقع این رهبران جمهوری اسلامی هستند که با قوانین ارتجاعی مذهبی و انداختن مأموران سرکوبگر به جان زنان آزاده موجب ایجاد ناامنی در جامعه می‌شوند. زنان آزاده با مبارزات خود در جنبش ژینا، برای به دست آوردن این مقدار از آزادی اولیه انسانی، از جان، مال، کار و زندگی خود هزینه‌های زیادی پرداخته‌اند. آنان همه طرحهای زن ستیزانه رژیم اسلامی از جمله جریمه نقدی و اخاذی برداشت بدون اجازه سه میلیون تومانی از حساب زنان، تشکیل پرونده قضایی برای آنان، پلمپ مغازه‌های کسب و کار و توقیف خودروهای آنان را با شکست مواجه ساخته‌اند. اما، حکومت اسلامی درحالی برای جلوگیری از ظاهر شدن موی سر زنان به طرح و برنامه‌ریزی می‌پردازد که با بحرانهای عمیق اقتصادی روبرو است، درمقابل آنها زبون و ناتوان است و برای آنها طرحی ندارد؛ دولت ابراهیم رئیسی در شرایطی به اجرای "طرح نور" می‌پردازد که امسال نیز با کسری بودجه ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی مواجه است؛ با بالا رفتن مداوم تورم و افزایش روزانه ارزش دلار که امروز مرز ۷۰ هزار تومان را نیز پشت سر گذاشت روبرو است؛ گرانی بیکاری، فقر و گرسنگی

روز شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ فرماندهی نیروی انتظامی حکومت اسلامی اعلام نمود که از امروز "طرح نور" باهدف مقابله با "ناهنجاری‌ها" و حفظ حریم عفاف و حجاب، در سراسر کشور به اجرا در می‌آید و با هرگونه اعمال ناهنجار و ضد ارزش توسط افراد معدود و هنجار گریز برابر قانون با جدیت برخورد می‌شود. "صبح همان روز تعداد زیادی از نیروهای سرکوبگر پلیس با ماشینهای "ون" به خیابانهای تهران و بعضی از شهرهای دیگر سرازیر شدند و به ایجاد مزاحمت و ضرب و شتم و دستگیری زنانی پرداختند که پوشش اختیاری داشتند. فرماندهی این نیروی سرکوبگر رژیم زن ستیز درحالی دم از قانون می‌زند که بیش از یک سال است حکومت اسلامی با همه دم و دستگاه قضایی و مجلس و شورای نگهبان در حال تدوین "قانون حجاب و عفاف" هستند، اما تا حال هیچ کدام جرأت نکرده‌اند مسئولیت انتشار آنرا برعهده بگیرند و "قانون" مزبور در بین دولت و مجلس و شورای نگهبان رژیم می‌چرخد. زیرا خود می‌دانند زنان مبارزی که در جنبش ژینا با دور انداختن و آتش زدن حجاب اجباری، پایه‌های ایدئولوژیک رژیم را مورد تعرض قرار دادند، حاضر به تسلیم در مقابل هیچ قانونی اسلامی برای تحمیل "حجاب اجباری" حکومت اسلامی نخواهند شد و می‌خواهند آزادانه زندگی کنند. کما اینکه در همان روز آغاز اجرای "طرح نور" جمهوری اسلامی، زنان و دختران زیادی در خیابانها بدون حجاب اجباری و آزادانه در رفت و آمد بودند. "طرح نور" از جانب نیروی انتظامی رژیم به دنبال سخنان علی خامنه‌ای در روز چهارشنبه ۱۵ فروردین به اجرا در می‌آید که در دیدار با سران سه قوه و جمعی از مسئولان و فرماندهان سپاه پاسداران، بر اجرای آن تأکید کرد. خامنه‌ای در آن جلسه با اشاره به تحمیل حجاب اجباری به زنان، گفت: "از لحاظ شرعی، حجاب یک حکم مسلم است و برای بانوان غیر از پوشاندن صورت و دو دست واجب است و باید رعایت شود و از آن نباید کوتاه آمد." به دنبال او محسنی ازهای رئیس قوه قضاییه رژیم روز چهارشنبه ۲۲ فروردین در این رابطه گفت: "با توجه به اینکه جمهوری اسلامی در قضیه حجاب و عفاف وضع خوبی ندارد و